لابی اسرائیلی، حاکم بی‌رقیب در سیاست‌گذاری و عملیات امنیتی

سیطره صهیونیست‌ها بر امنیت داخلی آمریکا

■ مکس‌بلومنتال ■

اشاره: پس از حملات ۱۱ سپتامبر به بهانه مبارزه با تروریسم، نیروهای پلیس آمریکا به سمت نظامی شدن هرچه بیشتر سوق داده شدند. در سال‌های اخیر، مدیران امنیتی جامعه آمریکا بیش از پیش مبهوت جنایات امنیت داخلی اسرائیل شده و در نظر دارند شیوه‌های نظامی این رژیم را وارد سازمان پلیس خود کنند. طی دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش، وزیر امنیت داخلی آمریکا که یک شهروند آمریکایی-اسرائیلی بود دستور داد نیروهای پلیس آمریکا توسط گروه‌های اسرائیلی آموزش ببینند تا در کنترل تجمع‌ها، مقابله با تروریسم و جمع‌آوری اطلاعات، ورزیده‌تر باشند. هم‌اکنون برخی افسران سابق نظامی اسرائیل در قالب نیروهای پلیس آمریکا فعالند. آنها استخدام شده‌اند تا عملیات‌های امنیتی را در فرودگاه‌های آمریکا، مراکز خرید و تفرجگاه‌های حومه شهرها مدیریت کنند. بعد از جنبش تسخیر وال‌استریت گزارش‌هایی منتشر شد که نشان می‌دهد سیاستگذاری و تأمین امنیت داخلی آمریکا تا چه اندازه وابسته به لابی صهیونیستی شده است. بعد از ۱۱ سپتامبر مقامات امنیتی آمریکا در یک برنامه مشترک با لابی اسرائیل در این کشور به شناسایی و برقراری ارتباط با متخصصان عملیات ضدتروریستی اسرائیل اقدام و هزاران پلیس آمریکایی را به اسرائیل فرستادند تا به وسیله نیروهای امنیتی این کشور تحت تعلیم قرار بگیرند. وی در این یادداشت به نقش پررنگ لابی صهیونیسم در امنیت داخلی آمریکا اشاره کرده است. اکتبر ۲۰۱۱ بخش‌هایی از محوطه دانشگاه کالیفرنیا در «برکلی» چهره‌ای نظامی به خود گرفت. این امر در حاشیه نشست «اربن شیلد» ۲۰۱۱ به وقوع پیوست. این نشست سالانه که نمایشی از توانمندی‌های گروه ضربت است، در راستای ترویج واکنش‌های متقابل، همکاری و رقابت میان نیروهای پلیس ضدشورش که بازوی اجرایی نهادهای مجری قانون در سراسر آمریکا و ملل خارجه هستند، سازماندهی شده است. در این بازه زمانی شهرداری منطقه «آلمیدا» در حال سازماندهی نیروی خود جهت رویارویی قریب‌الوقوع با گروه جنبش «تسخیر» بود که چادرهایی در مرکز شهر «اکلند» بر پا کرده بودند. در این رویارویی که یک ماه بعد به وقوع پیوست، نیروهای پلیس توان سرکوب خود را با استفاده از گلوله‌های پلاستیکی و گاز اشک‌آور به معترضان نشان دادند. در پی این درگیری صدها نفر از جمله یکی از سربازان اسبق آمریکا در جنگ با عراق بشدت مجروح شد. به گفته مجله «پلیس» که زیرمجموعه‌ای از انتشارات تجاری نهادهای نظارتی بر اجرای قانون است، نهادهای نظارت بر اجرای قوانین که با معترضان جنبش تسخیر در شمال «کالیفرنیا» درگیر شده بودند، از نشست «اربین شیلد» به دلیل کار گروهی مؤثرشان تقدیر کردند.

■ حضور نیروهای اسرائیلی و بحرینی در اربن شیلد

در کنار یگان‌های پلیس آمریکا، پلیس‌های مرزی اسرائیل موسوم به «لیمام» نیز مشغول تمرین بودند. این گروه مدعی است به طور ویژه برای عملیات ضدتروریستی تعلیم دیده است. اما بر خلاف این ادعا، بیشتر شهرت این گروه نشأت‌گرفته از ترور رهبران فلسطینی و سابقه طولانی در سرکوب و تجاوز به نوار غزه و کرانه باختری است. در «اربین شیلد» همچنین شاهد حضور یگانی از نظامیان بحرینی بودیم که به‌تازگی به سرکوب تظاهرات مسالمت‌آمیز و دموکراتیک مردم بحرین پرداخته، روی اردوگاه آنان آتش گشوده و مانع انتقال زخمی‌ها به بیمارستان شده بودند. اگرچه حضور نظامیان بحرینی خود معمای جدیدی است، اما از آن جالب‌تر رسانه‌ای نشدن حضور پلیس شبه‌نظامی اسرائیل در این نشست بود که مبین دورنمای امنیتی آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر است. رسوخ شیوه‌های اسرائیلی در نهادهای امنیتی آمریکا در هر لایه به چشم می‌خورد و آخرین بار، خود را در شیوه برخورد با معترضان جنبش تسخیر «وال‌استریت» نشان داده است. در گزارشات خبری آمریکا هنگامی که از اسرائیل یاد می‌شود، تنها به موفقیت‌های سازمان امنیت ملی آمریکا که از همکاری با اسرائیل به دست آمده اشاره می‌شود و از تبعات همکاری با رژیمی که به نقض آشکار حقوق بشر متهم است سخنی به میان نمی‌آید اما در عین حال این رسانه‌ها گاه و بیگاه در گزارشات خبری خود به پوشش رسوخ شیوه‌های اسرائیلی در سیستم امنیتی آمریکا می‌پردازند. اما این موضوع تاکنون به‌عنوان موضوعی مهم در مباحثات ملی مطرح نشده است. هرچه باشد، همکاری میان پلیس آمریکا و پلیس اسرائیل تنها یکی از ابعاد همکاری‌ها میان این دو است. نیروهای پلیس محلی آمریکا با به‌کارگیری تاکتیک‌های اسرائیلی که طی ۶۷ سال اشغال، سرکوب و بیرون راندن مردم محلی فلسطین از سرزمین مادری‌شان کسب کرده‌اند، به کنترل محله‌های مسلمان‌نشین و مهاجرنشین در شهرهای آمریکا پرداخته‌اند. در عین حال، افسران سابق ارتش اسرائیل به منظور هدایت عملیات امنیتی در فرودگاه‌ها و مراکز خرید به کار گرفته شده‌اند که همین امر منجر به گسترش موجی از پرونده‌سازی‌های نژادی، ارعاب و بازجویی‌های اف‌بی‌آی از افراد بی‌گناه و غیرمطلع شده است. افشای اقدام پلیس «نیویورک» در به‌کارگیری روش‌های ضدتروریستی در برخورد با معترضان جنبش تسخیر در پارک «زاکوتی» در مرکز «منهتن»، تنها یکی از آخرین نمونه‌ها از فعالیت‌های موسوم به مبارزه با تروریسم است. افشاگری‌هایی از این دست موجب می‌شود سوالات بی‌شماری درباره میزان به‌کارگیری تاکتیک‌های اسرائیلی در سرکوب جنبش تسخیر مطرح شود. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، هنگامی که وحشت بر مردم مستولی شد، مقامات نهادهای اجرای قانون و نیروهای فدرال از نیروهای امنیتی اسرائیل درخواست آموزش و راهنمایی کردند و از همین جا بود که فرآیند اسرائیلی‌سازی آغاز شد. این لابی صهیونیستی-آمریکایی جوی متشنج را به وجود آورد که در پی آن هزاران افسر برجسته آمریکایی به منظور تعلیم در کنار نیروهای نظامی اسرائیل، با صرف هزینه‌های هنگفت به سرزمین‌های اشغالی اعزام شدند تا جایی که افسران پلیسی که به اسرائیل اعزام نشده‌اند، از استثنائات محسوب می‌شوند. «ترنس دبلیو گسنر» رئیس اسبق کنگره آمریکا بر این باور است اسرائیل، هاروادی برای آموزش فعالیت‌های ضدتروریستی است. «کتی لینر» رئیس پلیس «واشنگتن دی‌سی» خاطرنشان می‌کند هیچ تجربه‌ای در زندگی حرفه‌ای او تاثیرگذارتر از سفر به اسرائیل نبوده است. «بارنت جونز» رئیس پلیس «آن آربر» میشیگان درباره اسرائیل می‌گوید: «اسرائیل خط مقدم مبارزه با تروریسم است و ما هم‌اکنون در جنگ جهانی قرار داریم». «کارن گرین برگ» مدیر دانشکده حقوق و مرکز مطالعات ملی «فوردهام» و کارشناس تروریسم و آزادی‌های مدنی می‌گوید: «تأثیر اسرائیل بر نهادهای اجرای قانون در آمریکا به حدی گسترده است که حتی عملکرد پلیس‌های خیابانی متأثر از آن است». گرین برگ گفت: «پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در بسیاری از زمینه‌ها به سمت اسرائیل دست نیاز دراز کردیم که از آن جمله می‌توان به آموزش روش‌های شکنجه دادن اشاره کرد. به‌عنوان مثال شکنجه‌هایی که در عراق و افغانستان به کار گرفته شد، توسط اسرائیلی‌ها آموزش داده شده بود». پیروی از خط‌مشی اسرائیلی‌ها مضرات بسیاری دارد که هم‌اکنون تحت عنوان فعالیت‌های ضدتروریستی در حال نفوذ و گسترش در تمام ابعاد زندگی آمریکایی‌ها است و این همان چیزی است که قبلا قابل پیش‌بینی بوده است.

■ JINSA[1] اتاق فکر مشترک یهودی-آمریکایی

در بطن همکاری میان نیروهای آمریکایی-اسرائیلی مجری قانون، موسسه یهودی امور امنیت ملی (جینسا) قرار دارد. جینسا اتاق فکر مشترک یهودی- آمریکایی است که به دلیل سیاست‌های جدید محافظه‌کارانه در قبال فلسطین و اتخاذ دیدگاه‌های تخاصمی علیه ایران شهرت یافته است. «ریچارد برلی» و «داگلاس فیث» ۲ تن از مشاوران اسبق جینسا و مشاوران «نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل، در زمان «جورج بوش» در وزارت دفاع آمریکا مشغول به فعالیت بوده و نقش انکارناپذیری در حمله به عراق و اشغال آن ایفا کرده‌اند. جینسا مدعی شده به واسطه برنامه‌های آموزشی نیروهای اجرایی متضمن قانون (لیپ)[2] بیش از ۹۰۰۰ تن از مقامات اجرایی را در سطوح فدرال، ایالتی و شهری تحت تعلیم قرار داده است. «ریچارد فیونتس»، ناظر پیشین ایالتی «نیوجرسی» پس از حضور در نشست جینسا ۲۰۰۴ که در اسرائیل برگزار شد و در آن ۳۵ تن از افسران نهادهای مجری قانون نیز حضور داشتند، اظهار داشت: اسرائیلی‌ها روش برقراری امنیت در «نیوجرسی» را تغییر دادند. طی نشست ۲۰۰۴ لیپ، جینسا ۱۴ تن از مقامات ارشد مجری قانون در آمریکا را برای دریافت دستورالعمل‌هایی از همتایان اسرائیلی خود گردهم آورد. جینسا در وب‌سایت خود می‌نویسد: «این مقامات آمریکایی به نحوی آموزش دیده بودند که امنیت را در مراکز خرید، مکان‌های ورزشی و سالن‌های کنسرت برقرار کنند. این گروه در حالی که توسط ژنرال سایمون پری از وابستگان به پلیس اسرائیل و افسر اسبق موساد همراهی می‌شدند از دیوار حائل بازدید کردند. به گفته جینسا، مقامات آمریکایی با طرز تفکر بمبگذاران انتحاری و راه‌های شناسایی آنان آشنا شده و کشتار به روش اسرائیلی‌ها نیز به آنها آموزش داده شد. روزنامه «نیویورک‌تایمز» در گزارش خود می‌نویسد: «اگرچه معمولاً به مأموران پلیس آمریکا گفته می‌شود هنگام درگیری سینه متهمان را هدف قرار دهند، لیکن افسران اسرائیلی تأکید دارند در راستای پیشگیری از فعال کردن چاشنی‌های احتمالی در زیر لباس متهمان، سر آنان را هدف قرار دهند. «کتی لی‌نر» که هم‌اکنون ریاست سازمان پلیس «واشنگتن دی‌سی» را بر عهده دارد، در میان مقامات اعزامی به اسرائیل توسط جینسا حضور داشت. «لی‌نر» می‌گوید: «از یگان‌های بمبگذار، گروه ضربت و یگان‌های ویژه پلیس اسرائیل چیزهای زیادی آموختم. هنگامی که در آنجا تحت تعلیم بودم، ۸۲ صفحه یادداشت‌برداری کردم که بعدها با استفاده از آن دایره مبارزه با تروریسم داخلی را در سازمان پلیس «واشنگتن دی‌سی» تأسیس کردم. برخی رؤسای پلیس که در برنامه «لیپ» جینسا شرکت کرده‌اند، تحت نظر دایره تحقیق و تجسس پلیس (PERF) که گروهی خصوصی و مرتبط با سازمان امنیت داخلی است، فعالیت کرده‌اند. «چاک وکسلر» مدیر اجرایی PERF به حدی نسبت به این برنامه خوش‌بین بود که تا سال ۲۰۰۵ تعداد بسیاری از مقامات عالیرتبه پلیس آمریکا را به اسرائیل اعزام کرد تا تحت تعلیم همتایان اسرائیلی خود قرار گیرند». هنگامی که «وکسلر» اعتراف کرد گروهش حملات پلیس علیه معترضان جنبش تسخیر را در ۱۶ شهر آمریکا هماهنگ کرده است، PERF در معرض رسوایی قرار گرفت. بر پایه اطلاعات به دست آمده، مقامات بیش از ۴۰ شهر از PERF برای سرکوب معترضان جنبش تسخیر و دیگر فعالیت‌های اعتراضی درخواست کمک کرده‌اند. از «وکسلر» پاسخی مبنی بر پذیرش انجام مصاحبه دریافت نشد.

■ گروه ADL رابط میان نیروهای پلیس آمریکا و سازمان اطلاعات و امنیت اسرائیل

در کنار جینسا گروه ADL نیز خود را به‌عنوان رابطی میان نیروهای پلیس آمریکا و سازمان اطلاعات و امنیت اسرائیل مطرح کرده است. اگر چه ADL خود را به‌عنوان گروه مدافع حقوق مدنی یهودیان معرفی می‌کند، لیکن با انتشار لیست سیاهی از سازمان‌های

مدافع حقوق فلسطین و محکوم کردن طرح ایجاد مرکز اجتماعات مسلمانان در مرکز نیویورک در نزدیکی سازمان تجارت جهانی، جنجال به پا کرد. این جنجال از آنجا آغاز شد که برخی مخالفان این پروژه از جانب دیگران به اتخاذ دیدگاه‌های متعصبانه و غیرمنطقی متهم شدند. به واسطه دوره آموزشی پیشرفته ADL در زمینه‌های مبارزه با تروریسم و گروه‌های افراطی، بیش از ۷۰۰ تن از پرسنل نهادهای اجرایی از ۲۲۰ مرکز فدرال و مراکز محلی که شامل اف.بی.آی و سیا می‌شدند توسط پلیس و فرماندهان اطلاعات و جاسوسی اسرائیل تحت تعلیم قرار گرفتند. طی سال جاری، ۱۵ تن از مقامات عالیرتبه پلیس آمریکا برای آموزش به اسرائیل اعزام شدند تا تحت تعلیم هیات امنیتی قرار گیرند. به گفته ADL، از زمان آغاز این طرح در سال ۲۰۰۳ در اسرائیل، بیش از ۱۱۵ تن از مأموران فدرال، ایالتی و محلی نهادهای اجرای قانون مورد آموزش قرار گرفتند. «توماس رایت»، جانشین رئیس پلیس فیلادلفیا اظهار کرد یقیناً شرکت در دوره‌های آموزشی ADL، یکی از بهترین تجارب کاری او محسوب می‌شود. رابطه ADL با سازمان پلیس آمریکا به حدی گرم است که مأموران ADL نیز به همراه پلیس‌های دی‌سی به گشتزنی می‌پردازند. ADL مدعی شد از طریق برنامه‌های جامعه و نهادهای اجرای قانون بیش از ۴۵ هزار تن از مقامات آمریکایی نهادهای اجرای قانون را تحت آموزش قرار داده است. در وب‌سایت ADL آمده است این برنامه‌ها براساس تاریخچه هولوکاست و با هدف آشنایی و درک بیشتر مأموران از وظایف خود در سازمان پی‌ریزی شده است. تمام مأموران جدید اف‌بی‌آی و سازمان جاسوسی آمریکا ملزم به شرکت در این برنامه‌های آموزشی هستند که با ۳ برنامه آموزشی اف‌بی‌آی تلفیق شده است. شایان ذکر است شرکت‌کنندگان در این دوره ملزم به بازدید از موزه هولوکاست نیز هستند.

■ حادثه ۱۱ سپتامبر و نقش آن در روابط امنیتی آمریکا و اسرائیل

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، همکاری با سازمان اطلاعات و امنیت اسرائیل برای پلیس نیویورک در رأس امور قرار گرفت. تنها چند ماه پس از حملات ۱۱ سپتامبر NYPD افسر رابطی را به‌عنوان مؤدی دائم مالیاتی در «تل‌آویو» مستقر کرد. تحت رهبری کمیسر پلیس «ری کلی»، روابط میان NYPD با اسرائیل روز به روز عمیق‌تر شده است. «کلی» در اولین سفر خود در اوایل سال ۲۰۰۹ به اسرائیل، از حملات متعدد و همه‌جانبه اسرائیل به نوار غزه [جنگ ۲۲ روزه] حمایت کرد. در این حملات که ۳ هفته به طول انجامید، ۱۴۰۰ نفر کشته شدند. شدت حملات به حدی بود که کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل، اسرائیل را به ارتکاب جنایات جنگی محکوم کرد. «کلی» در همان سال برای سخنرانی در «هرتزلیا» به اسرائیل بازگشت. این کنفرانس، گردهمایی سالانه مقامات دولتی نومحافظه‌کاران امنیتی است که در مورد تهدیدهای احتمالی دموگرافیک تبادل‌نظر می‌کنند. پس از این که «کلی» روی سن رفت، جمعیت حاضر در این نشست از جانب «مارتین کرامر» یکی از دانشگاهیان طرفدار اسرائیل مورد خطاب قرار گرفتند. وی اظهار داشت: «محاصره غزه توسط اسرائیل در کاهش تعداد مردان جنگی مؤثر است، و اگر مأموران ایالتی قادر به کنترل آنان نباشند، افرادی هستند که قادرند این کار را انجام دهند». در نیویورک نیز NYPD واحد دموگرافیک مخفی را سازماندهی کرد که وظیفه آن جاسوسی و زیر نظر گرفتن اجتماعات مسلمانان در شهر است. این واحد با حمایت همه‌جانبه و ارائه اطلاعات از جانب سیا آغاز به کار کرد. هنوز از رئیس اسبق پایگاه اطلاعاتی «سیا» که در خاورمیانه مشغول به جمع‌آوری اطلاعات برای این سازمان بوده نامی افشا نشده است. از سال ۲۰۰۲ «NYPD» مأموران مخفی تحت عناوین «ریکر» و «ماسک کرالر» را به کتاب‌فروشی‌ها و رستوران‌های آمریکایی- پاکستانی اعزام کرد. وظیفه این گروه ارزیابی میزان خشم پاکستانی‌ها از حملات هوایی آمریکا به پاکستان بود. عده‌ای از این مأموران نیز به قهوه‌خانه‌های سنتی و مساجد فلسطینیان اعزام شدند تا از نحوه سازماندهی مالی و انسانی آنان اطلاعاتی کسب کنند. در صورت مشاهده مطالعه آثار ادبی مشکوک در کتاب‌فروشی‌ها ابتدا اقدام به جمع‌آوری اطلاعات از آن فرد کرده و در صورت عدم دستیابی به اطلاعات موردنیاز، تحقیقات جامع‌تری از کتاب‌فروش به عمل می‌آمد. آنگونه که یکی از مقامات اسبق پلیس در مصاحبه با «آسوشیتدپرس» اظهار کرد: یگان دموگرافیک NYPD تحت تأثیر شدید اسرائیلی‌ها قرار دارد به طوری که تلاش دارد با الگو گرفتن از مقامات اسرائیلی از نحوه کنترل مردم در کرانه غربی سود جسته و از این الگوها در جهت تحت نظر گرفتن افراد استفاده کند. پیرو سیاست‌های کلی رژیم صهیونیستی، مأموران امنیتی در فرودگاه بین‌المللی «بن گوریون» افراد غیرسفیدپوست و غیریهودی، بالاخص اعراب را تحت بازرسی‌های ویژه قرار می‌دهند. از این میان مسافرانی که بیش از همه مورد آزار قرار می‌گیرند، شهروندان فلسطینی هستند که باید ۴ تا ۵ ساعت مورد بازجویی و تفتیش بدنی قرار گیرند. مأموران فرودگاه از میان این مسافران تعدادی را انتخاب کرده و به اتاقی موسوم به اتاق اعراب منتقل کرده و با سوالات تحقیرآمیز مورد بازجویی قرار می‌دهند. برخی فلسطینیان تا زمان برخاستن هواپیما حق صحبت نداشته و در طول پرواز از جانب کادر پرواز تهدید می‌شوند. در یکی از موارد مأموران امنیتی فرودگاه، کودکی ۶ ماهه را برای بازرسی بدنی بیدار کردند. نمونه‌هایی از این دست آنقدر فراوانند که نمی‌توان آنها را به تفصیل شرح داد. سال ۲۰۰۷ سازمان حمایت از حقوق مدنی لیستی از این موارد تهیه کرده و به دادگاه مدنی ارجاع داد. پرسنل امنیتی فرودگاه بین‌المللی «لوگان» بوستن توسط پرسنل اطلاعات و امنیت اسرائیل تحت تعلیم تکنیک‌های روانشناسی در مواجهه با شهروندان آمریکایی قرار گرفته‌اند، این تکنیک‌ها پیش از این، روی فلسطینیان آزمایش شده است. به کارگیری این شیوه‌های جدید از ماه آگوست آغاز شد، در این شیوه مأموران موسوم به مأموران رفتارشناس در ترمینال فرودگاه خود را در صف‌های طولانی و در میان مردم دیگر جا دادند. گمان بر این است که این شیوه‌های نوین در فرودگاه‌های دیگر آمریکا نیز مورد استفاده قرار گیرد. «پرسی شیفی» تحلیلگر خطرات احتمالی که اسرائیلی‌الاصل بوده و در مرکز تکنولوژی حمل و نقل و مسائل لجستیک «ماساچوست» مشغول فعالیت است، اظهار کرد: نیاز است این تدابیر شدیدتر شود. امروز، در «مال آو آمریکا» که یکی از مراکز بزرگ خرید در «بلومینگتون» مینه‌سوتا است و از جاذبه‌های توریستی محسوب می‌شود، شیوه‌های برقراری امنیت به روش اسرائیلی اجرا می‌شود. این شیوه‌های جدید با استخدام «مایکل روزین» از گروهبانان ارتش اسرائیل در سال ۲۰۰۵ آغاز شد. «روزین» که سابقاً در واحد امنیتی سگ‌دار فرودگاه «بن گوریون» در اسرائیل فعالیت داشت، به نیروهای تحت امر خود دستور داد اوضاع را به دقت زیر نظر گرفته و کوچک‌ترین نشانه‌های مشکوک را گزارش کنند. به گزارش مرکز تحقیقات و بازرسی، تیم «روزین» سالانه حدود ۱۲۰۰ فروشنده را مورد بازجویی و استنطاق قرار می‌دهد. یکی از هزاران نفری که به چنگ مأموران «روزین» افتاد، «نجام قریشی»، مغازه‌دار پاکستانی-آمریکایی بود که پدرش تصادفاً تلفن همراه خود را در رستوران جا گذاشت. یک روز پس از این ماجرا، مأموران اف‌بی‌آی به در منزل وی مراجعه کرده و در مورد اشخاص احتمالی که قصد آسیب زدن به آمریکا را داشته باشند سوالاتی پرسیدند. این بازجویی دوساعت و نیم به طول انجامید. قریشی در حالی که اشک می‌ریخت از تجربه وحشتناک خود برای خبرنگاران سخن گفت. در همین حال، مرد دیگری که «امیل خلیل» نام داشت به دلیل عکسبرداری از بندرگاه توسط مأموران اف‌بی‌آی بازداشت و مورد بازخواست قرار گرفت. «روزین» در مصاحبه‌ای با روزنامه «آمریکن جووش ورلد» اظهار داشت: ترس از حملات تروریستی به نقطه‌ای تاریک در زندگی آمریکایی‌ها مبدل شده است. تا زمانی که این دیدگاه وجود داشته باشد، امثال «روزین» نگرانی مالی نخواهند داشت.

■ بهره‌گیری از تاکتیک‌های ضدتروریستی برای سرکوب معترضان جنبش وال‌استریت

مأموران پلیس ضدشورش از تاکتیک‌هایی که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به آنها آموزش داده شده بود، برای سرکوب معترضان جنبش تسخیر وال‌استریت و برچیدن چادرهای آنان از پارک «زاکوتی» در مرکز «منهتن» استفاده کردند. به نوشته «نیویورک‌تایمز»، نیروهای پلیس نیویورک از تاکتیک‌های ضدتروریستی در حمله به پارک «زاکوتی» استفاده کردند. بهره‌گیری از تاکتیک‌های ضدتروریستی برای سرکوب معترضان غیرنظامی، خشونت‌های پلیس را کامل کرده است، به نحوی که شاهد پرتاب گاز اشک‌آور و گلوله‌های صوتی و پلاستیکی به سمت معترضان هستیم. با در نظر گرفتن میزان آموزش‌های پلیس نیویورک و دیگر نیروهای پلیس از سرویس اطلاعات ارتش اسرائیل و نیز رضایتمندی سران پلیس آمریکا از همتایان صهیونیست خود، این سوال مطرح می‌شود که پلیس آمریکا تا چه حد از شیوه‌های اسرائیلی در سرکوب جنبش تسخیر استفاده کرده است و آیا در آینده برای سرکوب اعتراضات خیابانی دیگر از آنها استفاده خواهد کرد؟ پیش از این نیز استفاده از روش‌های اسرائیلی برای سرکوب معترضان توسط نیروهای مجری قانون در آمریکا دیده شده است. این روش‌ها خشونت پلیس نسبت به افراد غیرنظامی را تشدید می‌کند به‌گونه‌ای که تدریجاً مرزهای موجود بین برخورد با معترضان، جنایتکاران و تروریست‌ها کم‌رنگ شده‌اند. «گرین برگ» بر این عقیده است پس از حادثه ۱۱ سپتامبر دولت آمریکا چاره‌ای جز واکنش سریع نداشت، ولی اکنون در سال ۲۰۱۵ قرار داریم و در سطح خیابان با افرادی که قصد هدایت هواپیما به ساختمان‌های دولتی را دارند مواجه نیستیم، بلکه با جوانانی روبه‌رو هستیم که گمان دارند حقوق شهروندی‌شان پایمال شده است. اگرچه استفاده از سیاست‌های اسرائیلی در برخورد با معترضان به امری عادی بدل شده است، اما اگر این روش‌ها به سیاست‌های کلی آمریکا وارد شوند، کشور را با چالش‌های اساسی روبه‌رو خواهند کرد.

پی‌نوشت

۱- این سازمان ادعا می‌کند هدف آن «حمایت از یک ارتش قوی در آمریکا، تقویت سیاست‌های امنیت ملی و تحکیم روابط امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی و سایر دموکراسی‌های همفکر است.» این سازمان که در واقع لابی صهیونیست در وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) محسوب می‌شود، مأموریت‌های خود را اینگونه عنوان می‌کند:

-گسترش همکاری‌های امنیتی آمریکا نه تنها با اسرائیل بلکه با تمام دولت‌های دموکراتیک همفکر

- متقاعد کردن جامعه دفاعی آمریکا به نقش مهم اسرائیل در امنیت غرب، منافع دموکراتیک آمریکا در خاورمیانه و مدیترانه - فراهم آوردن سیاست‌های تأثیرگذار بر موضوعات امنیت ملی و سیاست خارجی

-ارتقای آگاهی عمومی مردم و جوامع یهودی نسبت به اهمیت ظرفیت بالای دفاعی آمریکا.

۲-LEEP

منبع: فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدرا

اشاره

ماجرای رضاخان و بلیت نمایش

رضاخان با صدور اعلانی از همه برپاکنندگان نمایش خواست برای وی بلیت تماشای نمایش نفرستند، چرا که وی نه فرصت تماشای آن را دارد و نه حقوقش[1] کفاف خرید بلیت را می‌دهد[2]. متن کامل اعلان رضاشاه بدین شرح است: «از تمام اشخاصی که درصدد دادن نمایش بر می‌آیند، عموماً خواهشمندم که برای اینجانب بعد از این بلیت نفرستند، زیرا علاوه بر آنکه مجال ورود در نمایش‌ها را ندارم، حقوق اداری من نیز کفاف قیمت بلیت و تأدیه آنها را نخواهد کرد و در موقع لازمه برای خدمت معارف هرچه را لازم بدانم مستقیماً اقدام خواهم نمود. وزیر جنگ رضا»

۱ـ به هنگام مسافرت محمدرضا پهلوی به انگلیس در تیرماه ۱۳۲۷ ش، خبر زیر درباره سرنوشت دارایی رضاخان در جراید آن زمان منتشر شد: «به نوشته تریبون‌دوناسیون در لندن راجع به دارایی رضاخان که در بانک انگلیس توقیف شده است نیز گفت‌وگو بود، انگلیسی‌ها موافقت کردند که مخفیانه قسمتی از این دارایی از توقیف خارج شود و در عوض امتیاز بانک شاهنشاهی در ایران تجدید شود، زیرا برای شرکت نفت ایران و انگلیس مشکل است بدون وجود یک بانک انگلیسی که از وی حمایت کند به کار خود ادامه دهد. از طرف دیگر انگلیسی‌ها موافقند که به شاه کمک کنند تا به وسیله ثروتش بتواند دوباره رژیم گذشته را برقرار کند و برای این کار منتقل کردن دارایی پدرش به او بهترین وسیله است. به همین منظور است که شاه باید به سوییس مسافرت کند (زیرا مقداری از آن ثروت پدری در سوییس است) اینهاست علت مسافرت اعلی‌حضرت به اروپا...».

اما شمس پهلوی فرزند رضا شاه در این باره چنین اظهار نظر کرد: سخنان رضاشاه خطاب به دکتر محمد سجادی: «دکتر من یقین دارم وقتی پا را از مملکت به خارج نهادم، همه جا خواهند گفت و خواهند نوشت که در بانک‌های خارج نیز وجوه بیشماری داشته و این پول‌ها را برای چنین روزی ذخیره کرده بودم ولی اینطور نیست، من به جرأت می‌گویم نه در بانک‌های خارج و نه در بانک‌های داخله ـ جز بانک ملی ـ وجهی ندارم».

برای اینکه به درستی و نادرستی این اظهارات پی ببریم به خاطرات مستند و معتبر ارتشبد فردوست اشاره می‌کنیم: در زمان خروج رضاخان از کشور در شهریور ۱۳۲۰ ش، در اصفهان ابراهیم قوام به رضاخان می‌گوید: شما که ایران را ترک می‌کنید، تکلیف مایملک‌تان چه می‌شود؟ لازم است که تکلیف آنها را روشن کنید. رضاخان با قوام صحبت‌هایی می‌کند و می‌گوید که بنویسید. محضرداری را خبر می‌کنند و رضاخان دیکته می‌کند که آنچه دارم، اعم از منقول و غیرمنقول را به ولیعهد واگذار می‌کنم. قوام هم تصحیحاتی انجام می‌دهد و رضا امضا می‌کند. سپس رضاخان به سمت کرمان حرکت می‌کند و قوام‌الملک به سوی تهران، قوام نامه را به فروغی داد و او هم در روزهای بعد در مجلس قرائت کرد.

رضاخان در طول سلطنتش تمام املاک مرغوب شمال را به زور سرنیزه به نام خود کرد. البته گاهی هم پول مختصری به عنوان بهای آن می‌داد. املاک را به منطقه‌های مختلف تقسیم کرد و در هر منطقه یک افسر گمارد و کل املاک او را سرلشکر کریم آقاخان بوذرجمهوری اداره می‌کرد. در سال ۱۳۱۹ ش، یک سال قبل از رفتن رضاخان از ایران، صورتحساب عیادی خالص سالانه املاک پهلوی ۶۲ میلیون تومان بود که همه اینها را به محمدرضا منتقل کرد و سایر اولاد او بی‌نصیب ماندند. بعدها آنها به رضاخان شکایت کردند و او نیز به محمدرضا نوشت که کاخ‌های فرزندان را به آنها انتقال دهد و علاوه بر آن به هر کدام یک میلیون تومان بپردازد که سریعاً انجام شد... اگر می‌خواستید رضاخان خوشحال شود، درجه بدهد، مقام بدهد یا پیشنهادی را تصویب کند، بهتر بود قبل از شروع نام چند ملک را با مشخصات و قیمت آن مطرح می‌کردید و مطمئن بودید که کارتان انجام می‌شد... رادیو بی‌بی‌سی در آن هنگام، ۳ روز متوالی درباره املاک رضاخان صحبت می‌کرد و می‌گفت بزرگ‌ترین خدمتی که رضاخان به مملکتش کرده غصب همه اموال مردم شمال است! حال این سوال مطرح می‌شود، چگونه کسی که پول تهیه بلیت تماشای یک نمایش را نداشته است [اگر چه این هم یک ادعای خلاف واقع و اغراق‌آمیز بود] این ثروت را به دست آورده بود؟

پی‌نوشت:

۱ـ (ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۱۱۲ و ۱۱۱، گذشته چراغ راه آینده است، ص ۴۶۳ و ۴۶۴، تاریخ ۲۰ ساله ایران، ج ۸، ص ۹۶ـ ۸۷ و ۴۲۳ و ۴۲۲)

۲ـ روزنامه ایران، ۱۳۰۰/۱۰/۴، ص ۱.